



An Analysis of the Impacts of Oil Revenues on Rural Community Development in the Third to Fifth Development Plans (1962-1977)

Nazanin Ahmadyousefi¹, Habibollah Saeedinia^{2*}

¹-PhD Candidate in History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
nazaninahmadyousefi@gmail.com

²-Associate Professor of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.
saeedinia@pgu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The oil industry was a pivotal phenomenon during the second Pahlavi era that influenced the economic and social structure of rural Iranian society. During this period, oil revenues, through development programs, had a great impact on various aspects of development in various fields. One of the areas affected by oil revenues was rural development. One of the areas affected by oil revenues was rural development. However, in the Third to Fifth Development Plans, due to the method of allocating oil revenues and differing priorities, it had a lower priority. This research aims to analyze the role and impact of the third to fifth development plans on the development and modernization of rural society, as well as to examine the share of allocations to this sector compared to others. Using a historical method with a descriptive-analytical approach and relying on historical sources, official documents, and statistics, the study seeks to answer the question of how oil revenues during the development plans have impacted the development of rural society. Research findings indicate that rural development programs in the field of civil engineering, compared to various dimensions of development in other fields, have failed to achieve their quantitative and qualitative objectives. Ambiguity in policies, reduced investment in the rural sector, a lack of facilities, and executive disharmony during the third to fifth Five-Year Development Plans led to a decline in rural production and employment, and consequently, an increase in the migration of villagers to cities. Keywords: Oil revenues, Rural development, Development programs, Rural economy, Migration.
Received: 10/05/2025	
Accepted: 22/09/2025	
Cite this article: Ahmadyousefi, Nazanin; Saeedinia, Habibollah (2025), "An Analysis of the Impacts of Oil Revenues on Rural Community Development in the Third to Fifth Development Plans (1962-1977)", <i>The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam</i>, Vol. 3, No. 1, P: 143-171. _DOI: 10.30479/hvri.2025.22048.1072 © The Author(s). Publisher: Imam Khomeini International University	



***Corresponding Author:** Habibollah Saeedinia

Address Associate Professor of History, Persian Gulf University,
Bushehr, Iran.

E-mail: saeedinia@pgu.ac.ir

واکاوی تأثیرات درآمدهای نفتی بر توسعه جامعه روستایی در برنامه‌های

عمرانی سوم تا پنجم (۱۳۵۶-۱۳۴۱)

نازنین احمد یوسفی^۱، حبیب‌اله سعیدی‌نیا^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. nazaninahmadyosefi@gmail.com

۲- دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. saeedinia@pgu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	صنعت نفت در دوره پهلوی دوم به مثابه یک پدیده محوری، تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی ایران بر جای گذاشت. در این دوره، درآمدهای حاصل از نفت از طریق اجرای برنامه‌های عمرانی، ابعاد گوناگونی از توسعه را در حوزه‌های مختلف تحت تأثیر قرار داد. با این حال، در برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم، به دلیل شیوه‌های تخصیص درآمدهای نفتی و اولویت‌بندی‌های متفاوت، حوزه عمران روستایی از اولویت کمتری برخوردار بود. در همین راستا، این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل نقش و تأثیر برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم بر توسعه و نوسازی جامعه روستایی، و مقایسه سهم تخصیص‌یافته به این بخش در قیاس با سایر بخش‌ها تدوین شده است. این تحقیق با اتخاذ روش تحقیق تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، و با تکیه بر منابع، اسناد تاریخی، و آمار و ارقام رسمی، در پی پاسخ به این پرسش است که درآمدهای نفتی در طول این برنامه‌های عمرانی چه تأثیری بر توسعه جامعه روستایی گذاشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه در حوزه عمران روستایی، در مقایسه با ابعاد مختلف توسعه در سایر حوزه‌ها، در دستیابی به اهداف کمی و کیفی تعیین‌شده موفق نبودند. ابهام در سیاست‌گذاری‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش روستایی، کمبود امکانات، و ناهماهنگی‌های اجرایی در طول برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه عمرانی، منجر به کاهش تولید و اشتغال روستایی و در نهایت، تشدید مهاجرت روستاییان به شهرها گردید.
دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰	
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱	
واژگان کلیدی: درآمدهای نفتی، عمران روستایی، برنامه‌های عمرانی، اقتصاد روستایی، مهاجرت.	

استناد: احمد یوسفی، نازنین؛ سعیدی‌نیا، حبیب‌اله (۱۴۰۴)، «واکاوی تأثیرات درآمدهای نفتی بر توسعه جامعه روستایی در برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم (۱۳۵۶-۱۳۴۱)»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال سوم، شماره اول، صص: ۱۷۱-۱۴۳.



DOI: 10.30479/hvri.2025.22048.1072

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

در دوران حکومت پهلوی، به‌ویژه از سال ۱۳۲۰ به بعد، درآمد حاصل از نفت به یکی از منابع اصلی درآمد دولت و مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تحولات داخلی و خارجی تبدیل شد. از این رو، برنامه‌های عمرانی طراحی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای این طرح‌ها تأسیس گردید. این برنامه‌ها که از سال ۱۳۲۷ با برنامه هفت‌ساله اول آغاز شد و تا پایان برنامه پنجم در سال ۱۳۵۶ ادامه یافت، اهداف گوناگونی چون نوسازی زیرساخت‌ها، توسعه صنعتی، گسترش خدمات اجتماعی و بهبود سطح زندگی مردم را دنبال می‌کردند.

برنامه‌های عمرانی در آغاز، فرصت‌های گسترده‌ای برای بهبود زیرساخت‌های کشاورزی، توسعه روستایی، و ارتقای سطح آموزش و بهداشت فراهم آوردند؛ اما به‌مرورزمان، اولویت‌بندی‌های اتخاذشده در نحوه تخصیص درآمدهای نفتی به بخش‌های مختلف جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان و کیفیت تأثیرگذاری این درآمدها بر توسعه جامعه روستایی ایفا کرد. در نتیجه، محدودیت منابع مالی ناشی از توزیع نابرابر درآمدهای نفتی در اجرای برنامه‌های عمرانی، در کنار مشکلات مربوط به زیرساخت‌ها و تأمین سایر منابع موردنیاز، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه جامعه روستایی تبدیل شد. از سوی دیگر، جامعه روستایی ایران که بخش قابل توجهی از جمعیت و اقتصاد کشور را تشکیل می‌داد، از این تحولات متأثر گشت؛ اقتصادی که بر پایه کشاورزی و دامپروری استوار بود، با گسترش صنعت نفت، شاهد افزایش مهاجرت‌ها، ازدیاد جمعیت شهری و رشد شهرنشینی بود.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان توجه و منابع اختصاص‌یافته به عمران و آبادانی روستاها، تحلیل تأثیر این تخصیصات بر شاخص‌های توسعه روستایی و واکاوی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی برنامه‌های عمرانی بر زندگی روستاییان است. برای دستیابی به این هدف، ضمن مروری اجمالی بر هر یک از برنامه‌های عمرانی، سهم و جایگاه بخش عمران روستایی در تخصیص منابع تحلیل خواهد شد و درنهایت، تصویری روشن از نقش درآمدهای نفتی در فرایند توسعه جامعه روستایی در بازه زمانی ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ ارائه می‌گردد. این پژوهش با بهره‌گیری از اسناد، مدارک، نشریات و منابع تاریخی، داده‌های لازم برای تحلیل را گردآوری کرده و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا، کیفی و کمی به تبیین موضوع خواهد پرداخت.

مطالعات پیشین در حوزه تحولات روستایی ایران، زیربنای مهمی برای پژوهش حاضر فراهم آورده‌اند؛ اما در خصوص پیشینه پژوهش باید اشاره کرد که تاکنون در زمینه نقش و تأثیر برنامه‌های عمرانی توسعه بر توسعه روستایی با رویکرد تاریخی، کار مستقلى با روش ترکیبی (توصیفی-تحلیلی و آماری) به صورت تطبیقی بین برنامه‌های سوم تا پنجم صورت پذیرفته است. در برخی مطالعات انجام شده، می‌توان اطلاعاتی در مورد وضعیت تاریخی، اقتصادی و سیاسی زندگی روستاییان کسب کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کتاب *اقتصاد سیاسی ایران* (۱۳۷۴) از همایون کاتوزیان؛ در این کتاب، نویسنده به بررسی تحولات اقتصادی ایران به خصوص درآمدهای نفتی از اوایل مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته و اطلاعات کافی در این زمینه در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. کتاب *ایران بین دو انقلاب* (۱۳۸۶) از یرواند آبراهامیان؛ نویسنده در این اثر تلاش کرده به انقلاب مشروطه و تأثیرات آن بر جامعه بپردازد. این کتاب اگرچه به عنوان پژوهشی جامع در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود، با این حال در خصوص نفت تنها به دوران مصدق و ملی شدن صنعت نفت ایران اشاره کرده و به درآمدهای نفتی و تأثیر این درآمدها بر توسعه روستایی نپرداخته است؛ با وجود این، به دلیل استفاده از منابع گسترده و تحلیل قوی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کتاب *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران* (۱۳۸۳) از محمدرضا رضوانی، به طور کامل ابعاد مختلف برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران مانند ابعاد اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی، فرهنگی و توسعه روستایی را بررسی کرده است. این اثر به طور کلی سیر تاریخی برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران را از گذشته تا زمان حال تحلیل کرده و نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی و فرآیندهای تهیه، تصویب، اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را موردکاوش قرار داده است. در این کتاب از مبانی نظری تا بررسی عملیاتی برنامه‌ها و طرح‌ها، همه جوانب موردتوجه قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، تنها می‌توان مطالبی کلی از تاریخ برنامه‌ریزی در روستاها کسب کرد و به طور اخص به بازه زمانی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ و تأثیر برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم بر توسعه روستایی نپرداخته است. کتاب *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران* (۱۳۸۳) از مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری؛ این کتاب با تأکید بر جامعه روستایی ایران به دنبال بررسی توسعه روستایی است و با رویکرد جامعه‌شناختی و توسعه‌ای، به جایگاه روستاها در ساختار کلان توسعه کشور پرداخته است. این اثر به پیامدهای اجتماعی اصلاحات ارضی و تغییر ساخت قدرت در روستاها، برجسته‌سازی تضاد میان اهداف توسعه روستایی و تخصیص واقعی

منابع، نقد سیاست‌های نمادین توسعه، و پیامدهای مهاجرتی و اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته است. کتاب *جامعه‌شناسی روستایی و نیازهای آن* (۱۳۶۴) از فرامرز رفیع‌پور؛ این کتاب با رویکردی بومی در حوزه جامعه‌شناسی روستایی نگارش یافته است. این اثر را می‌توان به‌عنوان پایه‌ای جامعه‌شناختی محلی در کنار منابع تاریخی، توسعه‌ای و اقتصادی استفاده کرد. کتاب *نظریات توسعه روستایی* (۱۳۸۵) از محمدحسین یزدی پاپلی و محمدمیر ابراهیمی؛ نویسندگان در این کتاب به مفاهیم بنیادی توسعه، مکاتب کلان توسعه، نظریات و راهبردهای توسعه روستایی پرداخته‌اند. کتاب *توسعه و توسعه‌نیافتگی* (۱۳۸۴) از سعید حاجی هاشمی؛ ساختار کلی این پژوهش شامل پنج فصل است که به تفصیل درباره تعریف توسعه، اصول توسعه، عواملان توسعه، عقلانیت و توسعه و برخی نظریه‌های توسعه سخن می‌گوید؛ بنابراین نویسنده تلاش کرده است تا یک چارچوب منسجم برای تحلیل توسعه و توسعه‌نیافتگی ارائه دهد. کتاب *برنامه‌ریزی روستایی در ایران* (۱۳۷۶) از حسین آسایش؛ نویسنده ضمن مرور تاریخی برنامه‌ریزی در ایران، سیر شکل‌گیری سیاست‌ها و اهداف توسعه روستایی را با تمرکز بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تبیین کرده است. این کتاب به دلیل نگاه انتقادی به وابستگی اقتصاد ایران به نفت و تأثیر آن بر مناطق روستایی، به‌ویژه برای بررسی تطبیقی برنامه‌های توسعه عمرانی مفید است. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا-شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)» از قدیری معصوم، مجتبی و غلامرضا جهان محمدی فیروز که دوره زمانی طولانی از ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ را بررسی کرده است، وجود دارد. نویسندگان این مقاله نگاهی کلی به پدیده مهاجرت روستاییان به شهرها داشته‌اند. این مقاله در برخی موارد کلی‌گویی کرده و به ابعاد مهم و جزئیات کافی در مورد درآمدهای نفتی و برنامه‌های عمرانی توسعه نپرداخته است. لذا ذکر این نکته حائز اهمیت است که ابعاد توسعه روستایی تاکنون به‌صورت کلی بررسی شده و مطالعات انجام‌شده در زمینه توسعه روستایی صرفاً حاکی از توصیف وضعیت روستاها بوده‌اند. ازاین‌رو، این پژوهش با ارائه تصویری روشن از سیاست‌های توسعه‌ای دولت در قبال مناطق روستایی در دوره برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. توسعه و توسعه روستایی

در بررسی تاریخی سیاست‌های توسعه در ایران، توجه حاکمان به جایگاه روستاها همواره با فرازوفرودهایی همراه بوده است. در دوره قاجار، شهرنشینی توسعه یافت و قراردادهای بازرگانی میان ایران و کشورهای خارجی منعقد گردید (اندیشه نو، ۱۳۲۷، جلد اول، بخش سوم: ۵). توجه حاکمان به روستاها نیز عمدتاً در قالب اخذ مالیات و تأمین عایدات کشاورزی متمرکز بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۷۰). در دوره پهلوی اول، تمرکز اصلی حکومت در زمینه اقتصادی معطوف به صنعت بود؛ تلاشی برای ایجاد کشوری صنعتی بر اساس الگوی اروپایی (هوگلاند، ۱۳۹۲: ۸۱). در دوره پهلوی دوم، شاه به امید افزایش قدرت دولت مرکزی، سیاست تقسیم اراضی را دنبال کرد، حال آنکه حکومت در دهه ۱۳۳۰ کنترل چندانی بر نواحی روستایی نداشت (همان: ۹۲). در اوایل طراحی برنامه‌های عمرانی، توجه حاکمان بیشتر بر بهبود وضعیت کشاورزی از طریق آموزش متمرکز بود و اقدامات عمرانی در روستاها بسیار محدود انجام می‌گرفت (کدی، ۱۳۶۹: ۲۰۰). این روند تاریخی نشان می‌دهد که توجه دولت‌ها به عمران روستایی بیش از آنکه نگاهی همه‌جانبه در زمینه توسعه باشد، ابزاری در خدمت تقویت دولت مرکزی و تثبیت مشروعیت سیاسی آن‌ها بوده است. به همین دلیل، پیشنهاد توسعه روستایی در ایران را باید در پیوند با سیاست‌های کلان اقتصادی و به‌ویژه بهره‌گیری از درآمدهای نفتی تحلیل کرد؛ زیرا نفت به‌عنوان منبع اصلی تأمین مالی برنامه‌های عمرانی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری سیاست‌های توسعه‌ای ایفا می‌کرد.

از منظر نظری، توسعه یا پیشرفت یک جامعه متأثر از عوامل متعدد و گوناگونی مانند نیروی انسانی، منابع طبیعی، سرمایه، فرهنگ، نهادهای اجتماعی و غیره است. از این رو، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تاکنون در خصوص تعریف واژه توسعه به وحدت نظر نرسیده‌اند. از دیدگاه برخی اقتصاددانان، پیشرفت تکنولوژی عامل اصلی توسعه است و جامعه‌ای توسعه‌یافته محسوب می‌شود که از لحاظ تکنولوژی پیشرفته باشد؛ این در حالی است که عده‌ای دیگر توسعه‌یافتگی یا پیشرفت یک جامعه را ناشی از تحول روحی و دگرگونی اجتماعی آن می‌دانند (مهدیخانی، ۱۳۸۰: ۲۹۴-۲۹۵).

تعدادی توسعه را صنعتی شدن جامعه و اشخاصی دیگر، تغییر مثبت ساختار جامعه را توسعه می‌نامند. گروهی آن را مترادف با رشد اقتصادی جامعه و عده‌ای از صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی توسعه را یک حمله حساب شده به بدترین شکل‌های فقر تعبیر می‌کنند. علی‌رغم این مسائل، هدف‌های توسعه باید به‌صورت کاهش تدریجی و از بین بردن بیماری، بیکاری، بی‌سوادی

و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی محقق شود (همان، ۲۹۵). چنان‌که فرهنگ علوم سیاسی، توسعه را گسترش ظرفیت نظام اجتماعی یا برآوردن احتیاجات یک جامعه مانند امنیت ملی، آزادی فردی، برابری اجتماعی، مشارکت سیاسی، صلح و موازنه محیط‌زیست و در آخر رشد اقتصادی تعریف می‌کند؛ فرآیندی که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هماهنگ ساخته و همه آن‌ها را برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. به عبارتی، توسعه بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی و فرآیند بهتر ساختن کیفیت زندگی افراد است (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ۹-۱۲). بنابراین، مفهوم واقعی توسعه، رشد فراگیر، مداوم و منظم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک جامعه یا ملت است (مهدیخانی، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

توسعه به معنای جان بخشیدن به اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح ملی است (خادم آدم، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۹). از این رو، مراد از عنوان کردن واژه توسعه یا پیشرفت، توسعه به معنای اعم کلمه و مشتمل بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (مهدیخانی، ۱۳۸۰: ۲۹۶). به همین خاطر، منظور از توسعه یک منطقه، دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدماتی، افزایش تولید، فرصت‌های شغلی مناسب، به‌کارگیری تکنولوژی جدید، و افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و مصرف است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۷).

حوزه‌های روستایی معمولاً به‌عنوان قاعده، نظام سکونت و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ایفا می‌کنند؛ چراکه توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاها و روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲). روستا یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت — اعم از متمرکز، پیوسته یا پراکنده — با حوزه قلمرو معین و با عرض مستقل تشکیل شده است. اکثر ساکنان آن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم شغل دائمی در یکی از حوزه‌های زراعی، دامداری، صیادی، باغداری، صنایع روستایی یا ترکیبی از این فعالیت‌ها داشته و پیوند اجتماعی و فرهنگی میان اعضای جامعه آن برقرار است و در عرف با نام‌های دهکده، آبادی، قریه و ده یا روستا شناخته می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۶۴: ۱۰-۱۱). روستا پهنه‌ای جغرافیایی است که معیشت اکثر سکنه آن از دادوستد متقابل میان انسان و عوامل تجدیدپذیر طبیعی تأمین گردد و نقاط همگن کوچک و بزرگ

داخل آن پهنه، هر یک نام و نقشی جداگانه داشته و سهم تکامل‌دهنده خود را در مجموع روستا ایفا کنند. جامعه روستایی نیز شامل ساکنان آن گروه از سکونت‌گاه‌هایی است که در مراکز جمعیتی غیرشهری زندگی کرده و فعالیت اصلی آن‌ها کشاورزی و امور وابسته به آن باشد (حسینی ابری، ۱۳۸۲: ۹۶).

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی مانند فقر، رشد جمعیت، نابرابری، مهاجرت، بیکاری، حاشیه‌نشینی شهری و غیره، موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۰). چنان‌که عده‌ای توسعه روستایی را به‌مثابه توسعه ملی تعریف می‌کنند و گروهی بر مفهوم توسعه محدود به منطقه و محیط روستا تأکید دارند (حامد مقدم، ۱۳۷۲: ۶۲). بنابراین، توسعه روستایی یعنی بهبود سطح زندگی روستاییان از طریق نوسازی کشت به‌منظور تأمین تقاضاهای در حال افزایش برای مواد غذایی، تغییر محیط روستایی و ایجاد یک نظام حمایتی مؤثر برای بهبود سطح زندگی است (تودارو، ۱۳۷۸: ۴۴۵).

توسعه روستایی تحت تأثیر نظریه‌های توسعه اقتصادی قرار گرفت و به‌عنوان فرآیندی شناخته‌شده، با ایجاد تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و افزایش تولید ناخالص ملی در جامعه همراه بود (poostchi, 1889: 24- 25). در اکثر کشورهای پیشرفته جهان، توسعه روستایی رابطه‌ای تنگاتنگ با فرآیندهای ساختاری نظیر فرآیند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مدیریتی و زیست‌محیطی دارد (Herrmann. Osinski, 1999: 95). یعنی توسعه روستایی یک مفهوم جامع و چندبعدی است که شامل کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن، مانند افزایش تسهیلات، منابع روستایی و خدمات می‌شود. طراحی این نوع از توسعه نیازمند برقراری ارتباط میان علوم اجتماعی، کشاورزی، مهندسی، تربیتی و مدیریتی است (singh, 1999: 21). چراکه توسعه روستایی طیف وسیعی از بسیج انسانی و فعالیت‌های گوناگون است که مردم را بر ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری که آن‌ها را در شرایط نامساعد زندگی‌شان نگه داشته، قادر می‌سازد (آسایش، ۱۳۷۶: ۴۶). همچنین توسعه روستایی به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به افزایش توانایی روستاییان برای کنترل محیط اطرافشان شده و تحت تأثیر عوامل متعددی مانند توسعه اقتصادی، محیط‌زیست، نگرش‌های انسان‌دوستانه و ارزش‌های اجتماعی قرار دارد (خیاطی، ۱۳۸۲: ۳۱).

به همین خاطر توسعه روستایی را فرآیندی چندبعدی می‌دانند که موضوع آن ارتقا و بهبود کیفیت زندگی اقشار آسیب‌پذیر و فقیر جامعه روستایی است. این فرآیند با بهره‌گیری از سازوکارهایی مانند سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، تقویت خوداتکایی فردی و اجتماعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای اجتماعی و ذهنی روستائیان تلاش کرده تا در آن‌ها قدرت، اختیار و توان بهره‌گیری از منابع و قابلیت‌های آن را تقویت کند تا بتوانند به واسطه آن وضعیت موجودشان را به وضعیت مطلوب و مناسب تغییر دهند. با توجه به تعاریف مفهوم توسعه، مقاله حاضر بیشترین ارتباط را با رویکرد چندبعدی توسعه و توسعه روستایی دارد؛ رویکردی که توسعه را نه صرفاً صنعتی شدن و رشد اقتصادی، بلکه بهبود کیفیت زندگی روستائیان در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌داند. در این چارچوب، توسعه روستایی به معنای افزایش فرصت‌های شغلی، ایجاد زیرساخت‌ها، ارتقای خدمات بهداشتی و آموزشی و در نهایت کاهش فقر، مهاجرت و نابرابری‌های اجتماعی تلقی می‌شود. از آنجاکه پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات درآمدهای نفتی بر توسعه جامعه روستایی در برنامه‌های عمرانی سوم تا پنجم می‌پردازد، ملاک اصلی تحلیل، واکاوی تأثیر درآمدهای نفت بر بهبود یا تضعیف شاخص‌های توسعه روستایی در این دوره می‌باشد؛ بنابراین مقاله بیشترین پیوند را با «توسعه روستایی به مثابه فرآیندی چندبعدی و انسانی» دارد؛ فرآیندی که هدف آن ارتقای پایدار سطح زندگی روستائیان، توانمندسازی آنان و ایجاد تعادل میان مناطق روستایی و شهری است.

۲. برنامه‌های توسعه عمرانی

برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ ش/ ۱۹۴۸ م طراحی شدند و سازمان برنامه و بودجه کشور برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای آن‌ها ایجاد گردید. برنامه عمرانی اول به عنوان اولین برنامه توسعه ایران، در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ ش/ ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۵ م برنامه‌ریزی شد. این برنامه بودجه‌ای کلی به ارزش ۲۱ میلیارد ریال داشت (اندیشه نو، ۱۳۲۷، جلد اول، بخش اول: ۸). در سال ۱۳۳۱ ش/ ۱۹۵۲ م، بودجه به ۲۶ میلیارد ریال افزایش یافت (گزارش اجرایی برنامه هفت‌ساله دوم، ۱۳۴۳: پیوست ۱). از این اعتبار برای اصلاحات اجتماعی و شهری؛ کشاورزی و آبیاری؛ راه‌های شوسه، راه‌آهن و بنادر و فرودگاه‌ها؛ صنایع و معادن؛ نفت و پست و تلگراف و تلفن درصد، سهم در نظر گرفته شده بود.

با ملی شدن صنعت نفت و اعمال تحریم‌ها، صادرات نفت کم شد و از این رو درآمدهای نفتی ایران تا سال ۱۳۳۳ متوقف گردید. بر طبق گزارش عملکرد برنامه عمرانی اول، در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ سهم ارزش افزوده بخش نفتی ایران صفر بود. با قطع درآمدهای نفتی میان سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴، درآمد ارزی کشور کاهش یافت. شاخص هزینه زندگی طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳، ۳۳ درصد کاهش پیدا کرد. به دنبال آن، سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و صنایع و معادن کم شد و سرانجام سیر نزولی رشد این بخش‌ها را در پی داشت (نیلی، کریمی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). از این رو، برنامه هفت‌ساله اول عمرانی توسعه که اهدافی چون ترقی کشاورزی و صنایع، توسعه صادرات، تهیه مایحتاج مردم، اکتشاف و بهره‌برداری از ثروت‌های زیرزمینی به‌ویژه نفت، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطات، بالا بردن سطح معلومات، بهبود وضع معیشت عمومی و پایین آوردن هزینه زندگی را دنبال می‌کرد، به دلیل عدم تأمین منابع موردنیاز برای اجرا و نبود برنامه‌ریزی مناسب نتوانست به اهداف خود برسد (فروزنده، ۱۳۹۸، جلد اول: ۴۱۴-۴۱۶).

برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ ش / ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۳ م) در شرایط سخت ناشی از کاهش درآمدهای نفتی به مرحله اجرا درآمد. در این برنامه به‌ترتیب برای بخش ارتباطات و مخابرات؛ کشاورزی و آبیاری؛ امور اجتماعی؛ صنایع و معادن سهم در نظر گرفته شده بود. در برنامه عمرانی دوم، اگرچه اعتبار برنامه‌ها در طول سال‌های برنامه متغیر بود، اما اولویت برنامه‌ها در تخصیص درآمدها به حوزه‌های ارتباطات و مخابرات؛ امور اجتماعی؛ کشاورزی و آبیاری و صنایع و معادن تقریباً یکسان است. با این حال، در اعتبار اولیه برنامه و اعتبار برنامه پس از ۲۰ درصد افزایش، تخصیص اعتبار به امور اجتماعی بیشتر از حوزه کشاورزی و آبیاری بوده است؛ اما در عملکرد نهایی مالی برنامه، ارتباطات و مخابرات در رتبه اول، کشاورزی و آبیاری در رتبه دوم، امور اجتماعی در رتبه سوم و در آخر صنایع و معادن قرار دارد (احمدیوسفی، سعیدی‌نیا، ۱۴۰۲: ۹).

۳. درآمدهای نفتی و عمران روستایی در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۶-۱۳۴۱ ش)

برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۶-۱۳۴۱ ش / ۱۹۶۳-۱۹۶۸ م) با اهداف توسعه در بخش کشاورزی و صنعت و تأکید بر حوزه انرژی و ارتباطات تصویب شد (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۳۱). از لحاظ اولویت‌بندی طرح‌ها و هدف‌گذاری‌های برخاسته از آن، این برنامه نخستین برنامه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به شمار می‌رفت که توسعه بخش کشاورزی با اصلاحات ارضی به‌عنوان

اولویت‌های اصلی موردتوجه قرار گرفت. در این برنامه به زیادی جمعیت فقیر و روستانشین اشاره شده بود و ایجاد شغل در شهرها را لازمه رشد سریع اقتصادی می‌دانست که با سرمایه‌گذاری‌های صنعتی گسترده در شهرها انجام می‌گردید. این راهبرد در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم ادامه داشت (ساکما، ۱: ۲۲۰-۱۱۴۸۲).

افزایش درآمد ملی تا ۶ درصد، هدف اساسی برنامه سوم بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۰، شماره ۱۰۵۷۹: ۱). درآمدهای نفتی در بودجه دولتی در سال ۱۳۴۶ ش/ ۱۹۶۷ م، ۱۸ درصد از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۰۲). دولت تلاش می‌کرد که حداکثر درآمدهای مملکت صرف برنامه‌های عمرانی شود (مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۴۲: ۱۸، جلسه چهل و نهم). از ۲۳۰ میلیارد ریال اعتبار این برنامه، سهم بخش‌های مختلف به ترتیب عبارت بود از: بهداری و بهداشت ۹۹/۲؛ کشاورزی و آبیاری ۹۸/۷؛ عمران ۹۸/۶؛ خانه‌سازی و ساختمان ۹۸/۴؛ فرهنگ ۹۸/۳؛ کار و نیروی انسانی ۹۶/۶؛ ارتباطات و مخابرات ۹۴/۴؛ برنامه‌ریزی و آمار ۹۳/۸؛ نیرو و سوخت ۹۱/۲؛ صنایع و معادن ۶۲/۶ درصد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۴۴) (نمودار ۱).



نمودار ۱: داده‌های بودجه برنامه عمرانی توسعه سوم

بخش کشاورزی، با هدف افزایش تولید محصولات کشاورزی و توزیع عادلانه‌تر درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی برنامه‌ریزی شده بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۴۶: ۱). در ارتباط با چنین هدفی، منشور انقلاب اجتماعی در بهمن ۱۳۴۱ به تصویب عمومی رسید که در آن منشور، علاوه بر اصلاحات ارضی، به گسترش بهداشت و فرهنگ به مناطق روستایی، حفظ منابع طبیعی

و بالا بردن سطح درآمد کارگران از طریق مشارکت در سود کارخانه‌ها نیز پرداخته شده بود. به‌طورکلی در برنامه عمرانی سوم، عمران روستایی جزئی از فصل کشاورزی بود؛ بنابراین در این مورد هدف مشخص و جامعی را دنبال نمی‌کرد و طرح‌ها به‌صورت پراکنده و محدود بر اساس احتیاجات فوری به مرحله اجرا درمی‌آمدند (برنامه عمرانی چهارم کشور، ۱۳۴۷-۱۳۵۱: ۲۱، ۲۴ و ۲۵). فعالیت‌های عمرانی سازمان برنامه در فصل کشاورزی شامل اصلاحات ارضی؛ اقتصاد کشاورزی، حفظ منابع طبیعی، اعتبارات کشاورزی و شرکت‌های تعاونی، توسعه محصولات نباتی، دامپروری و دامپزشکی، ترویج کشاورزی و عمران روستایی و سدسازی و آبیاری بوده است (پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶: ۷).

با الغای رژیم ارباب-رعیتی، آزاد شدن دهقانان و نیاز به برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه، یک سازمان متشکل اقتصادی دهقانان ایران برای اجرای برنامه‌های بهبود و توسعه محصولات کشاورزی با نام سازمان تعاون روستایی به‌عنوان ابزاری برای تحقق این اهداف تشکیل گردید. تا آخر سال ۱۳۴۵، از طریق اعطای وام از محل اعتبارات عمرانی، مبلغی در حدود ۶۱۰۳ میلیون ریال برای تشکیل این سازمان، تأمین اعتبارات لازم جهت تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی و کمک به کشاورزان پرداخت شد و حدود هشت هزار شرکت تعاونی روستایی با مجموعاً حدود یک‌میلیون عضو و ۷۲ اتحادیه تعاونی در سراسر کشور تأسیس گردید (پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶: ۱۳-۱۴).

استخدام، آموزش و اعزام مروجان کشاورزی و خانه‌داری و سپاهیان ترویج و آبادانی در روستاها برای تعلیم فنون و اصول جدید کشاورزی و تأمین رفاه عمومی روستاییان، از مسائل مهمی است که در تمام دوران برنامه‌های عمرانی موردتوجه بوده است و در برنامه عمرانی سوم حدود ۱۰۹۰ میلیون ریال برای این منظور در نظر گرفته شده، به‌علاوه ۲۵۰ نفر مروج خانه‌داری، ۱۵۰ نفر مروج کشاورزی جدید تربیت و استخدام شدند. دو هزار نفر سپاهی پس از انجام دوره‌های کوتاه‌مدت به روستاها اعزام شدند که با ایجاد مزارع نمونه، مصرف بذرهای اصلاح‌شده و کود شیمیایی سم‌پاشی، آموزش فن خیاطی و خانه‌داری و نمایش فیلم‌های آموزشی، روستاییان را در فراگرفتن اصول جدید راهنمایی می‌کردند.

در زمینه عمران روستایی در برنامه سوم، ۲۳۶۰ میلیون ریال اعتبار برای عمران روستاهای مناطق مختلف کشور مانند قزوین، دشت مغان، جیرفت، مناطق عشایری، بنادر جنوب، مناطق

خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد پرداخت شده بود. تأسیس مراکز عمرانی در جهت بهبود کشاورزی و بهره‌برداری صحیح از اراضی و همچنین بهبود امور اجتماعی زارعین در دشت قزوین، تکمیل شبکه آبیاری، ساخت ۱۲ دهکده نمونه برای زارعین این منطقه، انجام عملیات جاده‌سازی، حفر ۱۱۴ حلقه چاه عمیق در دشت قزوین، پرورش نهال‌های مختلف و توسعه باغات میوه و کشت محصولات مختلف کشاورزی در جنوب به‌ویژه در منطقه بین بندر بوشهر و بندرلنگه، حفر چاه و تلمبه بادی برای تأمین و تهیه آب آشامیدنی اهالی و دام‌ها، ۲۰ تلمبه بادی خریداری و نصب شده بود و احداث ساختمان ۲۰ آب‌انبار ذخیره آب باران انجام شد. در یزد نو جهت اسکان کشاورزان در منطقه عشایری و مرزی خوزستان و ایجاد یک واحد نمونه کشاورزی، حفر کانال‌ها و ساختمان تلمبه‌ها در کنار رودخانه کرخه، تهیه پروژه شبکه برق، یک واحد ۲۵ کیلوواتی نصب و مورد استفاده قرار گرفته بود (پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶: ۲۰).

۴. اهمیت و محورهای برنامه عمرانی سوم و پیامدهای اصلاحات ارضی

در برنامه عمرانی سوم، حوزه کشاورزی و آبیاری به دلیل اجرای طرح اصلاحات ارضی از اهمیت زیادی برخوردار بود و رشد سالانه بخش‌های کشاورزی و صنایع و معادن از رشد پیش‌بینی شده بالاتر رفت و ارتباطات و مخابرات در اولویت برنامه دولت برای تخصیص بودجه بودند؛ در مجموع از جمله اهداف این برنامه، برقراری تعادل اجتماعی مانند اشتغال و توزیع عادلانه درآمد بوده است (احمدی یوسفی، سعیدی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۰). برنامه عمرانی سوم بر سه محور اشتغال، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعت بود. در ابتدا بودجه برنامه عمرانی سوم صرف بهبود زیرساخت‌های بین‌شهری و شهری و در مرحله دوم صرف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شد. منبع اصلی سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی و خدمات، درآمدهای ارزی نفت بود که عمده‌ترین سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی بخش اعتبارات و مؤسسات مالی دولتی محسوب می‌شد. در ادامه، شهرها به‌عنوان مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی شناخته شدند. از حیث اقتصادی، اتکای کامل به درآمدهای حاصل از صدور نفت مهم‌ترین خصلت شهرنشینی سریع در ایران است که تعیین‌کننده سایر پدیده‌ها و عوارض شهری در این دوره است. اجرای اصلاحات ارضی پیامدهایی به همراه داشت که باعث تضعیف کارایی بخش کشاورزی و در نتیجه رونق شهرنشینی گردید؛ بنابراین روابط سنتی در روستاها کمرنگ شد و منجر به مهاجرت از روستاها به شهرها گردید.

پیش از اجرای برنامه عمرانی سوم، مهاجرت از روستا به روستا انجام می‌شد (ساکما، ۱: ۳۲۰-۳۲۷؛ ۱: ۲۴۰-۷۲۸۳۴)؛ چراکه مالکان در زمین‌های مجاور روستاها سرمایه‌گذاری می‌کردند و مانع از مهاجرت از روستاها به شهرها می‌شدند (طاهری، ۱۳۶۰: ۶۸-۷۸).

با سرعت گرفتن مهاجرت‌ها از روستاها به شهرها، جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط افزایش یافت. با افزایش درآمد نفت و توجه به صنعت با استقرار کارخانه‌ها، نیاز به نیروی انسانی افزایش یافت (قدیری معصوم و جهان محمدی فیروز، ۱۳۸۷: ۷۳). با وجود اینکه بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی زندگی می‌کردند، سهم اعتبارات عمران روستایی در برنامه عمرانی سوم ۴/۷ میلیارد ریال بود. این در حالی است که ۷/۳ میلیارد ریال برای عمران شهری در نظر گرفته شده بود، در صورتی که در همین برنامه مبلغ منظور شده بالغ بر ۷/۳ میلیارد ریال می‌گردید. از طرفی در چهار سال اول برنامه عمرانی سوم، سرانه سرمایه‌گذاری برای هر فرد روستایی معادل ۷۶ ریال بود که این رقم یک‌هشتم سرانه شهری را شامل می‌شد. این توزیع نابرابر علاوه بر تضعیف زیربنای روستاها، زمینه جذب مهاجرت روستاییان به شهرها را در پی داشت. به این ترتیب از سال ۱۳۴۵ روند مهاجرت از روستاها به شهرها به سرعت افزایش یافت (قدیری معصوم و علیقلی زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۱ و ۱۲۲)؛ چراکه اعتبارات شهری نه تنها برای توسعه زیرساخت‌های شهری به کار گرفته می‌شد، بلکه امکانات لازم برای اسکان جمعیت مهاجر از روستا به شهر و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش صنعت و خدمات شهری را نیز فراهم می‌کرد.

اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱ یعنی از اواخر برنامه عمرانی سوم تا پایان برنامه عمرانی چهارم تحت نخست‌وزیری دکتر امینی و حمایت آمریکا اجرا شد، با اهدافی چون جلوگیری از توسعه خرده مالکی، از بین رفتن مناسبات ارباب-رعیتی، جلوگیری از جنبش‌های دهقانی و تضعیف قدرت اربابان به مرحله اجرا گذاشته شد. از دیگر اهداف این برنامه می‌توان به بالا بردن سطح تولید کشاورزی، مهیا نمودن زمینه مناسب برای یکپارچگی بازار داخلی و فروش تولیدات صنعتی در روستاها، تأمین نیروی انسانی اضافی روستاها برای صنایع شهری، اشاره کرد (سلطان زاده، ۱۳۶۷: ۱۸۲). اصلاحات ارضی، به دلیل فقدان اهداف مشخص در عمران روستایی در نتیجه سرمایه‌گذاری اندک و نارضایتی دهقانان، باعث برهم خوردن نظام ارباب - رعیتی و تسلط بیشتر مالکین بزرگ و خان‌ها شد. این امر باعث تشدید رشد بخش خصوصی گردید. بخش عمومی موظف به ساخت زیربناها بود و بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های

حمل و نقل، ساختمان و صنایع سبک می‌پرداخت. فعالیت‌های اقتصادی در شهرها مانند ساختمان، صنعت، خدمات و تأمین نیروی کار ارزان برای آن‌ها و در نتیجه بازار تولید و مصرف روستا به دلیل سلطه سرمایه‌داری روبه رشد تحت تأثیر قرار گرفته بود. به این ترتیب بازارهای روستایی که پیش از آن بیشتر به صورت محیط‌های خودکفا و بسته و کمتر زیر سلطه و نفوذ بازار قرار داشت، به روی کالاهای تولیدی و وارداتی کشور گشوده شد (آسایش، ۱۳۷۶: ۵۹).

۵. درآمدهای نفتی و عمران روستایی در برنامه چهارم توسعه (۱۳۵۱-۱۳۴۷ ش)

برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱ ش / ۱۹۶۹-۱۹۷۳ م) با اعتباری تقریباً ۲۳۰ میلیارد ریال به تصویب مجلس رسید (رضوانی، ۱۳۸۳: ۴۶). درآمدهای نفتی به طور متوسط در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ ش / ۱۹۷۰ م تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، باعث افزایش ۲۰ درصدی تولید ناخالص داخلی ایران شد و نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که در این فاصله، روند تغییرات تولید ناخالص داخلی ایران با تغییرات بهای نفت هماهنگ بوده است (Farzanegan, 2009: 134-151). در سال ۱۳۵۱ ش / ۱۹۷۲ م بازهم سهم نفت افزایش یافت و به ۶/۵۰ درصد رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۰۲). همان‌طور که مشهود است، درآمدهای نفتی هر ساله از روند افزایشی برخوردار است. انتظار می‌رفت که روند تخصیص درآمدهای نفتی به حوزه عمران روستایی نیز مانند درآمدهای نفتی صعودی باشد.

پیش‌بینی شده بود که توزیع اعتبارات عمرانی به تفکیک نوع عملیات در جدول شماره ۲ آمده باشد. سهم بخش عمومی اجرای این برنامه در حدود دو سوم و سهم خودیاری روستاییان یک سوم پیش‌بینی گردیده بود. علاوه بر مبلغ ۹۱۰۰ میلیون ریال که از محل اعتبارات عمرانی صرف عمران روستایی خواهد شد، اعتبارات دیگری از محل فصول مختلف این برنامه از قبیل بهداشت و درمان، کشاورزی، آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی، ارتباطات، برق که در مجموع حدود ۱۱ میلیارد ریال برآورد شده بود، به بخش عمران روستایی تعلق می‌گرفت (برنامه عمرانی چهارم، ۱۳۵۱-۱۳۴۷: ۲۱۵) (جدول ۱).

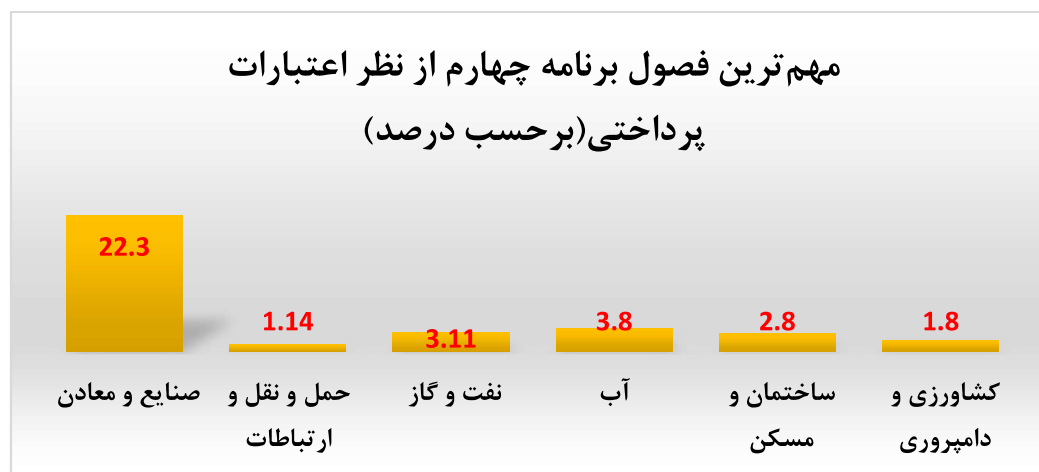
جدول شماره ۱: توزیع اعتبارات عمران روستایی (برنامه عمرانی چهارم، ۱۳۵۱-۱۳۴۷: ۲۱۶)

نوع اعتبار عمرانی	سهم اعتبار	سهم	جمع
	برنامه	انجمن	کل
	دهات		
الف) تأمین آب شرب	تأمین آب آشامیدنی	۲۷۰۰	۶۷۵
	لوله‌کشی	۸۰۰	۱۶۰۰
ب) تأسیسات بهداشتی روستاها	تأسیسات جمع‌آوری و مصرف و دفع فضولات	۱۱۰۰	۱۱۰۰
	احداث حمام	۱۳۰۰	۲۶۰
	احداث غسالخانه	۹۰۰	۱۰۸۰
پ) بهسازی محیط و خانه‌های روستایی	تأسیسات همگانی و بهسازی محیط دهات	۷۰۰	۷۰۰
	بهسازی خانه‌های روستایی و تسهیل وسایل زندگی	۶۰۰	۶۰۰
	احداث خانه‌های نمونه روستایی	۵۰	۵۰
ت) خانه‌های نمونه و وام مسکن	کمک به خانه‌سازی روستایی از طریق وام	۹۵۰	۹۵۰
	جمع	۹۱۰۰	۴۳۱۵
			۱۳۴۱۵

اهداف قانون برنامه چهارم در زمینه عمران روستایی عبارت بودند از: تعمیم عدالت اجتماعی و توزیع ثمرات رشد و توسعه اقتصادی کشور بین روستاییان از طریق آبادانی روستاها و ایجاد تأسیسات همگانی و تأمین و تسهیل وسایل رفاه زندگی روستاییان و آماده کردن روستاها برای پیشرفت‌های سریع اقتصادی. این برنامه مشخص از طریق تشویق روستاییان به کارهای جمعی و

سرمایه‌گذاری‌های فردی از طریق توسعه و تقویت انجمن‌ها، اعطای کمک فنی و مالی به روستاها جهت ایجاد تأسیسات عمومی برای تسهیل زندگی خانوادگی روستائیان، آموزش انجمن‌ها جهت اداره و آموزش استفاده صحیح از تأسیسات همگانی قابل اجرا بود؛ بنابراین برنامه عمران روستایی شامل تأمین آب شرب و لوله‌کشی، احداث غسالخانه، احداث حمام، ایجاد خانه‌های نمونه روستایی، اعطای وام مسکن به روستائیان، ایجاد تأسیسات همگانی و بهسازی خانه‌ها و تأمین وسایل تسهیل خانوادگی برای روستائیان انجام گرفت (برنامه عمرانی چهارم، ۱۳۴۷-۱۳۵۱: ۲۱۴).

فصل‌های عمرانی برنامه چهارم شامل کشاورزی و دام‌پروری، عمران شهری، آمار و عمران ناحیه‌ای، عمران دهات، فرهنگ و هنر، رفاه اجتماعی، بهداشت و بهداری، حمل‌ونقل و ارتباطات، آموزش و پرورش، ساختمان و مسکن، نفت و گاز، برق، آب، مخابرات، جلب سیاحان و صنایع و معادن می‌شد؛ بیشترین بودجه برای بخش‌های صنایع و معادن، حمل‌ونقل و آب و برق اختصاص داده شده بود و در مجموع به دنبال صنعتی کردن ایران بود (ساکما، شناسه سند ۱۹۱۷۱/۰۲۲۰، برگ ۵-۶). مهم‌ترین فصول برنامه چهارم از نظر اعتبارات پرداختی، صنایع و معادن ۳/۲۲، حمل‌ونقل و ارتباطات ۱/۱۴، نفت و گاز ۱۱/۳، آب ۸/۳، ساختمان و مسکن ۸/۲، کشاورزی و دام‌پروری ۸/۱ درصد بوده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۰: ۲۱). در این میان، بخش‌های صنعت و خدمات سالانه رشد ۱۴ و ۸/۱۴ درصدی را داشتند، این در حالی بود که رشد سالانه بخش کشاورزی ۸/۳ درصد بود (اسفندیاری، ۱۳۷۸: ۳۹۵) (نمودار ۲).



نمودار ۲: مهم‌ترین فصول برنامه چهارم از نظر اعتبارات پرداختی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۰: ۲۱)

مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در زمینه عمران روستایی عبارت بودند از: ۱. اجرای کارهای ساختمانی و تأسیسات همگانی مانند حمام، مدرسه، چاه و غیره. ۲. سالم‌سازی و بهسازی روستا که توسط اداره کل مهندسی بهداشت و سپاهیان انقلاب با استفاده از درآمد انجمن‌های روستایی در روستاها انجام گرفته است. این طرح‌ها شامل اقدامات کوچکی مانند احداث و تعمیر مدرسه، احداث گرمابه، احداث و تعمیر غسالخانه و ایجاد فاضلاب می‌شد. ۳. ایجاد حدود ۸۷۰۰ راه فرعی بین دهات که توسط دفاتر فنی وزارت آبادانی و مسکن و وزارت راه ساخته شده بود. ۴. ایجاد حدود ۴۵۰۰ طرح شامل آموزش بهزیستی خانواده، نمایش کارهای دستی زنان روستایی و ایجاد تأسیسات همگانی شامل حمام و کلاس‌های حرفه‌ای و تشویق روستاییان به ایجاد صنایع دستی در زمان فراغت از کار کشاورزی. ۵. عملیات اصلاح امور اجتماعی روستاییان با تأسیس ۲۱۸۹۰ انجمن در ۳۲۶۸۷ ده، توسط اداره کل عمران و اصلاح امور اجتماعی انجام شده بود (برنامه عمرانی چهارم، ۱۳۴۷-۱۳۵۱: ۲۱۳-۲۱۴) (نمودار ۳).



نمودار ۳: فعالیت‌های مهم در زمینه عمران روستایی در برنامه توسعه چهارم (برنامه عمرانی چهارم،

۱۳۴۷-۱۳۵۱: ۲۱۳-۲۱۴)

با آنکه عملیات انجام‌شده در جهت آبادانی روستاها بسیار مؤثر بوده است، اما به علت کمبود نیروی انسانی متخصص و سایر توانمندی‌های فنی، این اقدامات به تنهایی نتوانستند نتایج کامل و مطلوبی را از لحاظ توسعه جامع عمران روستایی کسب کنند. در مقایسه با تأسیسات شهری، پیشرفتی که در زمینه عمران روستایی حاصل شده اندک بوده است. از جمله مسائل و مشکلاتی که برنامه عمرانی در زمینه عمران روستایی با آن مواجه بوده، شرایط جغرافیایی و پراکندگی روستاها مانند دوری از مراکز شهری و کوهستانی، غیراقتصادی بودن برخی کارهای عمرانی به علت حجم اندک جمعیت، فقدان دستگاه اجرایی متخصص و لازم و عدم هماهنگی میان سایر دستگاه‌های اجرایی

موجود در داخل روستاها بوده که باعث کندی روند اجرای پروژه‌ها می شده است (برنامه عمرانی چهارم، ۱۳۴۷-۱۳۵۱: ۲۱۴).

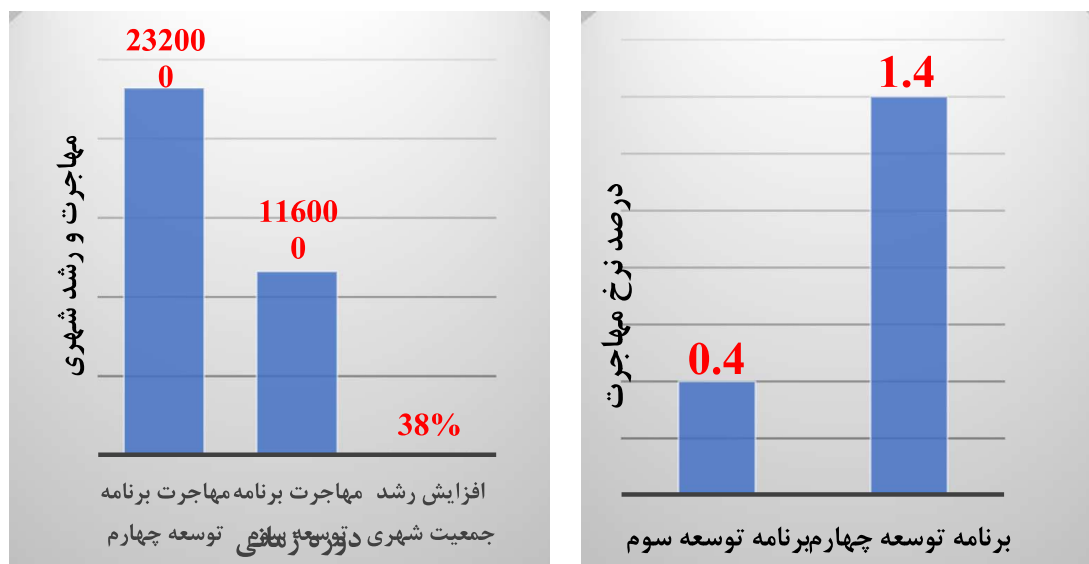
در این برنامه پیش‌بینی شده بود که تعداد ۲۲۶۰۰۰ شغل در بخش کشاورزی ایجاد شود که نه تنها انجام نشد، بلکه ۲۰۲۰۰۰ نفر از شاغلین قبلی نیز این بخش را ترک کردند. این در حالی بود که شغل ایجادشده در بخش صنعت و خدمات از حد برنامه فراتر رفته بود و به‌این ترتیب به ارقام ۷۳۶ و ۷۲۰ هزار شغل جدید رسید. این در حالی است که سهم شاغلین بخش کشاورزی از ۴۹ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافت. به‌این ترتیب در طول برنامه چهارم، روند و میزان مهاجرت از روستاها به شهرها نه تنها مهار نگردید، بلکه بالعکس شتاب بیشتری یافت (قدیری معصوم و علیقلی زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۳). رشد پیش‌بینی شده در بخش کشاورزی سالانه ۶ درصد بود. در سال ۱۳۴۸ رشد کشاورزی ۷/۱ درصد بود. این در حالی بود که رشد جمعیت ۷/۲ درصد بود. در سال ۱۳۴۹ رشد کشاورزی ۳ درصد بود. در سال ۱۳۵۰ نه تنها رشدی نداشت، بلکه به منهای ۴ درصد رسید (ماهنامه مردم، ۱۳۵۱، شماره ۹۱: ۲).

در این دوره نرخ مهاجرت روستاییان به ۴/۱ درصد رسید که ۴/۰ درصد بیش از نرخ دوره قبل بوده است. متوسط تعداد مهاجرین سالانه از روستا در این دوره حدود ۲۳۲ هزار نفر بوده که حدود ۱/۵ برابر دوره قبل است. به‌این ترتیب ۳۸ درصد افزایش جمعیت شهری در دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ ناشی از مهاجرت روستاییان به شهر بوده است (قدیری معصوم و محمدی فیروز، ۱۳۸۶: ۷۵) (نمودار ۴).

(الف)

(ب)

نرخ مهاجرت از روستاها به شهرها: برنامه عمرانی مقایسه متوسط تعداد مهاجرین سالانه از روستا در طول سوم (از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ هجری) و برنامه عمرانی چهارم و برنامه عمرانی سوم. عمرانی چهارم (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱)



نمودار ۴- نرخ مهاجرت از روستاها به شهرها (۱۳۵۱-۱۳۴۱) (قدیری معصوم و محمدی فیروز، ۱۳۸۶: ۷۵)

۶. درآمدهای نفتی و عمران روستایی در برنامه پنجم توسعه (۱۳۵۶-۱۳۵۲ ش)

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۸-۱۹۷۴ م) با بودجه‌ای در سه بخش امور عمومی با ۱۲۱۱۰۰ میلیون ریال، امور اجتماعی با ۶۸۹۰۰ میلیون ریال و امور اقتصادی با ۹۷۰۰۰۰ میلیون ریال به تصویب مجلس رسید (مجموعه قوانین بیست و سومین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، بی‌تا: ۲۷۳۷). اعتبارات برنامه ۱۵۶۰ میلیارد ریال و رشد اقتصادی پیش‌بینی‌شده در برنامه ۲/۱۱ درصد بود. در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۳ درآمد نفت رشد چشمگیری داشت، بنابراین در سال ۱۳۵۴ با تجدیدنظر در برنامه و اعتبارات آن، مجموعاً به ۴۱۸۶ میلیارد ریال و رشد جدید اقتصادی ۹/۲۵ درصد تعیین گردید. ۸/۷۹ درصد از کل اعتبارات این برنامه را سهم نفت شامل می‌شد (مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، ۱۳۷۸: ۳۱۸). درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م به ۵ میلیارد دلار و پس از چهار برابر شدن قیمت نفت در بازارهای جهانی، در سال ۱۳۵۵ ش/ ۱۹۷۶ م به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۵۲۵).

در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م با اولین شوک نفتی، سهم نفت از درآمدهای کشور با سرعت بیشتری افزایش یافت. در این دوره به دلیل کم بودن جمعیت کشور، ناچیز بودن تعداد وسایل نقلیه، اندک بودن ضریب نفوذ انرژی‌های فسیلی در بخش‌های اقتصادی و خانگی و بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور که در روستاها زندگی می‌کردند، درآمد زیادی در کنار صادرات ۶ میلیون بشکه نفت خام در اختیار حکومت قرار گرفت تا خرج برنامه‌های خود کند. به منظور تأمین سوخت

ارزان برای کشورهای صنعتی، افزایش و سود شرکت‌ها و کارتل‌های نفتی، تولید نفت تنها در سال ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴ م بیش از ۶ میلیون بشکه در روز محقق شد. بنابراین در این سال به علت افزایش ناگهانی قیمت نفت و افزایش تولید نفت خام ایران، درآمدهای ارزی کشور به بیش از ۲۳ میلیارد دلار و در سال ۱۳۵۷ ش/۱۹۷۸ م به ۲۶ میلیارد دلار رسید که بالاترین درآمد ارزی از ابتدای تولید تا سال ۱۳۵۷ ش/۱۹۷۸ م بوده است (ترکان، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۴). برنامه عمرانی پنجم در حوزه امور اجتماعی شامل آموزش و پرورش؛ تأمین مسکن؛ بهداشت و درمان و تغذیه؛ عمران و نوسازی روستاها؛ عمران شهرها؛ فرهنگ و هنر؛ تربیت بدنی و رفاه اجتماعی می‌شد (احمدیوسفی، سعیدی نیا، ۱۴۰۱: ۱۳) (جدول ۲).

جدول شماره ۲: تخصیص اعتبارات در حوزه امور اجتماعی برنامه عمرانی پنجم (قانون برنامه عمرانی پنج‌ساله پنجم، بی تا: ۸)

اعتبارات (میلیون ریال)	امور اجتماعی	۳۰۰۰۰۰۰
۲۳۰۰۰۰	آموزش و پرورش	۳۰۱۰۰۰۰۰ فصل اول
۹۴۰۰	فرهنگ و هنر	۳۰۲۰۰۰۰۰ فصل دوم
۵۳۰۰۰	بهداشت و درمان و تغذیه	۳۰۳۰۰۰۰۰ فصل سوم
۴۶۰۰۰	تأمین و رفاه اجتماعی	۳۰۴۰۰۰۰۰ فصل چهارم
۱۰۰۰۰	تربیت بدنی: پیشاهنگی - تعاون و امور جوانان	۳۰۶۰۰۰۰۰ فصل ششم
۳۲۷۰۰	عمران شهرها	۳۰۷۰۰۰۰۰ فصل هفتم
۳۶۰۰۰	عمران و نوسازی روستاها	۳۰۸۰۰۰۰۰ فصل هشتم
۸۲۸۰۰	تأمین مسکن	۳۰۹۰۰۰۰۰ فصل نهم
۴۶۸۹۰۰	جمع	

اهداف و پیامدهای عمران روستایی در برنامه پنجم توسعه (۱۳۵۶-۱۳۵۲ ش)

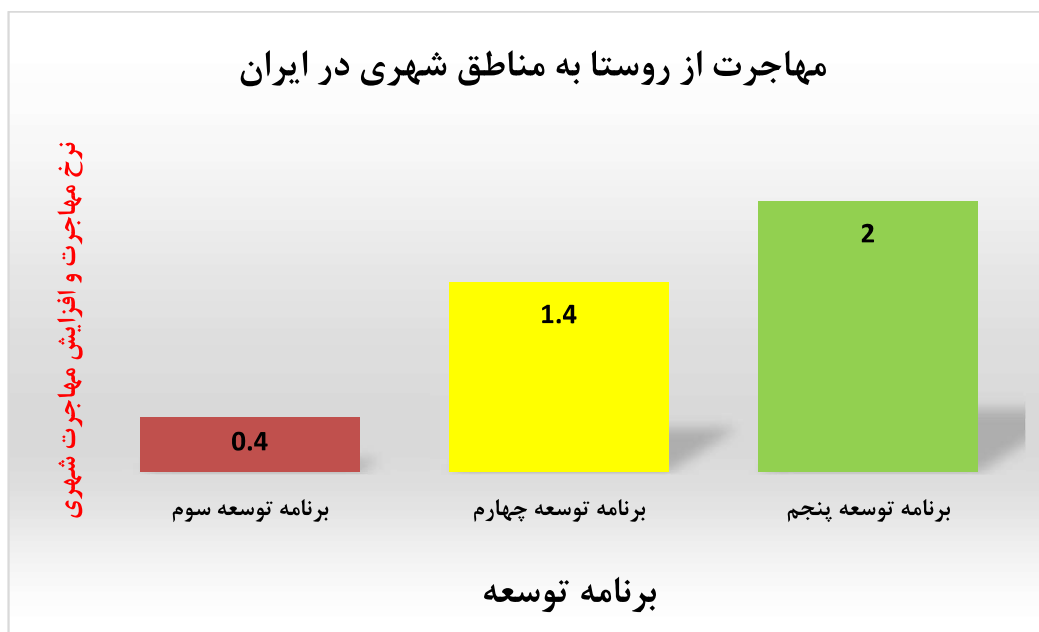
فاصله سطح زندگی در شهر و روستا به دلیل موقعیت جغرافیایی روستاها ایجاب نمود که همگام با دگرگونی اجتماعی و اقتصادی کشور، در جامعه روستایی نیز تحولی ایجاد گردد. هدف‌های کلی فصل عمران و نوسازی روستاها شامل تعمیم عدالت اقتصادی و اجتماعی در روستاها، کاهش

فاصله سطح زندگی شهر و روستا و مشارکت مؤثر جامعه روستایی در نوسازی روستاهای کشور بود. برای نیل به هدف‌های این فصل، برنامه‌های تأسیسات زیربنائی روستاها، برنامه تعلیمات توجیهی روستائیان و برنامه تحقیق و بررسی در نظر گرفته شده بود (سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۴: ۱۷۳). اعتبارات بخش کشاورزی قبل از تجدیدنظر ۴/۱۱ درصد بود که بعد از تجدیدنظر در برنامه به ۵/۷ درصد رسید (آسایش، ۱۳۷۶: ۶۵). اهداف کلی بخش کشاورزی شامل کاهش میزان کم‌کاری در مناطق روستایی از طریق تأکید بر کشاورزی با فناوری جدید و افزایش میزان تولیدات در کشاورزی و درآمد زارعین برای نزدیک شدن به درآمد سرانه شهری، رفع نیازمندی‌ها از طریق استقرار صنایع در روستا به‌خصوص صنایع دستی، صنایع تبدیلی و فعالیت‌های غیر کشاورزی و تلفیق دامداری و زراعت، عمران مراتع و اراضی بایر بوده است (بیات، ۱۳۷۱: ۱۴۱). افزایش درآمد نفت و چهار برابر شدن قیمت آن از سوی کشورهای اوپک، سبب گردید برنامه عمرانی پنجم از اهداف اولیه خود فاصله بگیرد (پیردیگار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

از آنجاکه درآمدهای نفتی ابتدا صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و در مرحله دوم صرف سرمایه‌گذاری صنعتی می‌شد؛ زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات در شهرها گسترش یافت و کیفیت زندگی شهری ارتقا یافت. سودآورترین و پربرونق‌ترین فعالیت شهری ساختمان‌سازی در شهرهای بزرگ بود (اعتماد، ۱۳۶۶: ۶۵ و ۶۶). در ادامه مهاجرت روستایی سالانه به میزان ۲ درصد رسید که این نرخ نشان‌دهنده یک روند مداوم و قابل توجه در جابجایی جمعیت است. تعداد ۷۳۴ هزار نفر با ترک کردن زندگی روستایی و بخش کشاورزی برای کار به شهرها مهاجرت کردند، لذا اشتغال در بخش کشاورزی از ۴۴ درصد به ۳۳ درصد کاهش پیدا کرد (آسایش، ۱۳۷۶: ۶۴) که یکی از مهم‌ترین پیامدهای مهاجرت روستایی به شمار می‌رود. روستائیان به دلیل نبود امکانات مناسب در روستا، مجبور به ترک روستاها می‌شدند. با مهاجرت نیروی کار، بخش کشاورزی با کمبود نیروی کار مواجه شده و در نتیجه تولید و بهره‌وری در این بخش کاهش یافت. در نتیجه مالکان بزرگ که بیشتر از اهالی شهرها بودند و از کار در زمین‌های خود غایب بودند (کدی، ۱۳۶۹: ۱۹۳؛ هوگلاند، ۱۳۹۲: ۲۷)، در روستاها با گرفتن پول و غرامت ناشی از فروش و تحویل املاک خود به دولت، مشغول احداث مراکز خدماتی سودآور در شهرها مانند مدرسه خصوصی، رستوران، سینما، هتل، کارگاه تولیدی، کارخانه مونتاژ، سوپرمارکت و غیره شدند و نیروی کاری

که از روستا به شهر مهاجرت کرده بود، در این مراکز مشغول به کار می شدند (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۶: ۸۸ و ۸۹). طی این برنامه عمرانی سالانه ۳۷۳ هزار نفر از روستا به شهر مهاجرت کردند، یعنی تقریباً ۳/۱ میلیون نفر به جمعیت شهری افزوده بود. در حدود ۴۸ درصد از این افزایش ناشی از تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری و مهاجرت روستاییان به شهرها بوده است. شهرنشینی از ۴/۳۰ درصد در سال ۱۳۳۰ به ۴۷ درصد در پایان سال ۱۳۵۵ رسیده بود (قدیری معصوم و جهان محمدی فیروز، ۱۳۸۷: ۷۶).

مهاجرت گسترده جمعیت از مناطق روستایی به شهری و تغییرات اساسی در ساختار جمعیتی و به طور کلی روند شهرنشینی بین سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۵ را نشان می دهد. بنابراین در دوران پهلوی دوم با افزایش قیمت نفت، سهم درآمدهای نفتی در برنامه های عمرانی نیز افزایش پیدا کرد. درآمدهای نفتی در قالب برنامه های عمرانی روند ساخته شدن دولت در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تسهیل و تسریع کرد، اما به جهت عدم توازن منطقی لازم میان تخصیص درآمدهای نفتی بر این حوزه ها، نتوانست موفقیت چشمگیری به خصوص در حوزه عمران روستایی کسب نماید. بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی صرف پروژه های بزرگ و کلان در مناطق صنعتی و شهری شده بود. در نتیجه به دلیل عدم تخصیص کافی بودجه به حوزه روستایی، توسعه در این مناطق با کندی مواجه شد و نتوانست به موفقیت چشمگیری دست پیدا کند. به عبارتی، رشد درآمدهای نفتی در اواخر دوره پهلوی را نباید به معنای تخصیص کامل این درآمدها در حوزه های مختلف توسعه اجتماعی و رشد در عرصه های مختلف کشور تلقی کرد، زیرا حجم زیادی از درآمدهای نفتی تنها به برخی از حوزه های مختلف کشور تخصیص پیدا کرده بود (احمدیوسفی، سعیدی نیا، ۱۴۰۱: ۱۴). در طول برنامه عمرانی سوم، چهارم و پنجم نرخ مهاجرت از روستاها به شهرها به صورت صعودی بوده است. نمودار ۵ به بررسی روند مهاجرت از روستا به شهر در طی سه برنامه عمرانی متوالی پرداخته است.



نمودار ۵: مقایسه برنامه عمرانی سوم تا پنجم در مورد نرخ مهاجرت (قدیری معصوم و محمدی فیروز، ۱۳۸۶: ۷۵؛ آسایش، ۱۳۷۶: ۶۴)

طبق نمودار بالا، نرخ مهاجرت در برنامه عمرانی سوم حدود ۰/۴؛ در برنامه عمرانی چهارم حدود ۱/۴ و در برنامه عمرانی پنجم حدود ۲/۰ رسیده بود. داده‌های ارائه‌شده نشان‌دهنده افزایش تدریجی مهاجرت از روستاها به شهرها در هر برنامه نسبت به برنامه قبلی است.

نتیجه‌گیری

برنامه‌های عمرانی دوره پهلوی به‌خصوص چهارم و پنجم با هدف توسعه و نوسازی روستاها و بهبود شرایط زندگی روستاییان و تحقق اهداف توسعه‌ای در حوزه عمران روستایی همچون توسعه زیرساخت‌های اساسی، توزیع متعادل سرمایه‌گذاری، تقویت تولید و اشتغال، هماهنگی با توسعه صنعتی، توجه به نیازهای واقعی روستاییان، تقویت مشارکت محلی و ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به روستاییان طراحی و تدوین گردید. همچنین در تمام دوران برنامه‌های عمرانی، تلاش شد تا با استخدام و آموزش مروجان کشاورزی و خانه‌داری، ایجاد حوزه‌های عمرانی، اجرای پروژه‌های زیرساختی و آموزشی، ارتقای مهارت‌ها و دانش روستاییان، سطح زندگی روستاییان ارتقا یابد و در کل به دنبال توسعه روستایی بوده‌اند.

اما در برخی موارد، مانند ابهام در سیاست‌ها، ضعف در تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع مالی و تخصیص بودجه اندک، عدم هماهنگی در اجرای پروژه‌ها، کمبود امکانات و عدم توجه کافی به اجرای برنامه‌های عمرانی در روستاها موجب شد تا عمران و توسعه روستایی در طول برنامه عمرانی سوم تا پنجم با چالش‌های اساسی از جمله عدم آشنایی مسئولان با هدف‌های بنیادی و سیاست‌های اساسی، کمبود نیروی انسانی و تجهیزات فنی، نادیده گرفتن روستاهای کوچک و پذیرش پروژه‌ها بدون توجه به امکانات اجرایی و اولویت‌ها همراه باشد.

در مقابل، ایجاد تأسیسات جدید در شهرها و امکانات رفاهی بهتر، روستاییان را به مهاجرت ترغیب کرده و مانع از دستیابی به موفقیت‌های مورد انتظار در حوزه عمران روستایی شد. در نتیجه اهداف کمی و کیفی برنامه‌های توسعه روستایی در این دوره محقق نشد. در طول برنامه عمرانی، نرخ مهاجرت به صورت صعودی بالا رفت که این امر نشان می‌دهد ایجاد امکانات در روستاها کافی نبوده و برای جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها باید به طور هم‌زمان به ایجاد اشتغال پایدار و بهبود کیفیت زندگی در روستاها و ایجاد تعادل در توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور نیز توجه می‌شد.

این امر مستلزم فراهم کردن امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و اشتغال پایدار در روستاها بود. همچنین، باید با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای مؤثر برنامه‌های عمران روستایی، به رفع چالش‌های موجود در این زمینه پرداخته می‌شد. این چالش‌ها نه تنها موجب ناکارآمدی در اجرای پروژه‌ها گردید، بلکه باعث گسترش نابرابری در توزیع منابع و خدمات و همچنین کاهش کیفیت زندگی روستاییان و وابستگی اقتصاد روستایی و عدم توسعه متوازن در نتیجه توسعه‌نیافتگی و درنهایت مهاجرت روستاییان را به دنبال داشته است.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

کتاب‌ها

- آسایش، حسین (۱۳۷۶)، *برنامه‌ریزی روستایی در ایران*، پیام نور.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۶)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه گل محمدی و فتاحی، تهران: نی.

- ازکیا، مصطفی، غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی / ایران، تهران: نی.
- اعتماد، گیتی (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، «مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر»، تهران، آگاه.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، محمدمیر ابراهیمی (۱۳۸۵)، نظریات توسعه روستایی، تهران: سمت.
- پیردیگار، ژان، برنارهور کاد، یان ریشار (۱۳۷۸)، ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجامی، تهران: بازتاب.
- ترکان، اکبر (۱۳۹۰)، کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی، مروی بر کارنامه سی‌ساله جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- حاجی‌هاشمی، سعید (۱۳۸۴)، توسعه و توسعه‌نیافتگی، تهران: گفتمان اندیشه معاصر.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۴)، جامعه‌شناسی روستایی و نیازهای آن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کدی، نیکی آر (۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دیبا.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تئوریه‌ها و تکنیک‌ها، چاپ اول، تهران: خوش‌بین و انوار دانش.

- لمبتون، آ، ک، س (۱۳۷۵)، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران: جاودان خرد.
- مهدیخانی، علیرضا (۱۳۸۰)، *مروری اجمالی بر: توسعه سیاسی و اقتصادی*، تهران: انتشارات آرون.
- نیلی، مسعود، محسن کریمی (۱۳۹۶)، *برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۵۶-۱۳۱۶: تحلیلی تاریخی با تمرکز بر تحولات، نقش و جایگاه سازمان برنامه‌وبودجه*، چاپ دوم، تهران: نی.
- هوگلاند، اریک جیمز (۱۳۹۲)، *زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش.

مقالات، پایان‌نامه‌ها

- اسفندیاری، علی‌اصغر (۱۳۷۸)، «تأثیر برنامه‌های اول تا پنجم بر تغییرات ساختاری اشتغال و جابه‌جایی نیروی انسانی در ایران»، *مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران*، جلد اول، تهران.
- احمدیوسفی، نازنین، حبیب‌اله سعیدی‌نیا (۱۴۰۱)، «جایگاه حوزه فرهنگی در برنامه‌های عمرانی دوره پهلوی با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی (۱۳۵۶-۱۳۲۷)»، *نهمین کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن، گرجستان*، صص ۱۹-۱.
- احمدیوسفی، نازنین، حبیب‌اله سعیدی‌نیا (۱۴۰۲)، «درآمدهای نفتی و تأثیر آن بر حوزه فرهنگی در برنامه‌های توسعه عمرانی کشور (۱۳۵۶-۱۳۲۵): مطالعه موردی رونق سینما»، *پژوهشنامه تمدن ایرانی*، شماره دو (پیاپی ۱۰)، صص ۳۸-۱.
- بیات، روح‌الله (۱۳۷۱)، «بررسی عملکرد استراتژی‌های توسعه اقتصادی ایران طی برنامه سوم، چهارم و پنجم»، *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۲)، «نگرشی بر نظریه‌های نوین روستایی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۲۸.
- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۸۲)، «توجه به مدیریت روستایی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۲۶۱-۲۴۸.

- خادم آدم، ناصر (۱۳۷۲)، «سیاست توسعه عوامل و مواضع پیشرفت»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۷۳ و ۷۴.
- خیاطی، مهدی (۱۳۸۲)، «توریسم روستایی و تأثیر آن بر جوامع روستایی»، *مجله جهاد تهران*، شماره ۲۵۷.
- قدیری معصوم، مجتبی، غلامرضا جهان محمدی فیروز (۱۳۸۷)، «نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا-شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۳، ص ۸۰-۶۷.
- قدیری معصوم، مجتبی، ناصر علیقلی زاده فیروزجایی (۱۳۸۲)، «جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۶، ۱۳۰-۱۱۵.
- مستوفی‌الممالکی، رضا (۱۳۷۶)، «تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش و روند مهاجرت‌های روستاییان به نقاط شهری از سال ۱۳۴۰ تاکنون و عواقب آن»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال دوازدهم، شماره ۴.

روزنامه‌ها

- روزنامه اندیشه نو (۱۵ آذر ۱۳۲۷)، جلد اول، بخش اول.
- روزنامه اندیشه نو (۱۰ بهمن ۱۳۲۷)، جلد اول، بخش سوم.
- روزنامه اطلاعات (۲۴/۵/۱۳۴۰)، ش ۱۰۵۷۹.
- ماهنامه مردم (۱۳۵۱)، دوره ششم، شماره ۹۱.

اسناد و برنامه‌های رسمی

- برنامه عمرانی چهارم کشور (۱۳۵۱-۱۳۴۷)، تهران: سازمان برنامه.
- پیشرفت‌های ایران در دوران برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶)، دفتر اطلاعات و گزارش‌ها، سازمان برنامه و بودجه: کتابخانه مرکزی.
- قانون برنامه عمرانی پنج‌ساله پنجم (بی‌تا)، بی‌جا.
- مجموعه قوانین بیست و سومین دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی (بی‌تا)، جلد ۴، بی‌جا: چاپخانه اختصاصی مجلس شورای ملی.

- مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۴۲)، روز یکشنبه هجدهم اسفندماه، جلسه چهل و نهم، دوره بیست و یکم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۶)، گزارش مقدماتی سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه سوم کشاورزی و آبیاری.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۰)، گزارش ارزیابی از برنامه چهارم و دورنمای بیست ساله و چارچوب برنامه پنجم، تهران.
- سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور (۱۳۵۴)، سازمان برنامه و بودجه: کتابخانه مرکزی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش ۲۲۰/۰۱۹۱۷۱.
- _____، ۲۲۰/۱۱۴۸۲.
- _____، ۳۲۰/۳۲۷۲۲.
- _____، ۲۴۰/۷۲۸۳۴.

منابع لاتین

- Farzanegan, M. R. & Markwardt, G (3009) '*The effects of oil price shocks on the Iranian economy*', *Energy Economics*, 31(1), PP, 134-155.
- Herrmann. s, Osinski.E (1999) '*planning sustainable land use in rural areas at differentspatial levels using GIS and modelling tools*.
- Posstchi (1989) '*Rural development and the development*.
- Singh, k (1999) '*Rural development: principals, policies and management*', New Delhisag Punlication.